

حیات الگویی امام حسین (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

وقتی خداوند، برای هدایت بشر، «راهنما» فرستاد و برای تعیین راه و پیمودن مسیر، «حجّت» قرار داد، همه ابعاد را در نظر داشت.

الگوهای مکتبی، الگوی همه جانبه امت برای راهیابی به کمال و خودسازی و بندگی اند. حسین بن علی (علیه السلام) نیز یکی از این اسوه های کامل و الگوهای همه جانبه است و آنچه از حضرتش باید آموخت، نه تنها درس حماسه و جهاد و ظلم ستیزی، که درس عبودیت و سخاوت و جوانمردی و ارزش گرایی و تهجد و انس با قرآن و تکریم انسان است.

اینک، نگاهی به بخشی از ابعاد الگویی سالار شهیدان داریم، تا روشن گردد که شخصیت وی به بُعد شوراآفرین و حماسی عاشورا و انگیزه آفرینی جهاد در کربلا خلاصه نمی شود. امروز، اگر آن باده جانبخش در ساغر دلمان نیست، می توان و باید از چشمه فیض دیگری شور و حال گرفت و «سیره حسینی» را چراغ راه قرار داد. در عصر بازسازی ایمانی و فرهنگی، توجه به ابعاد الگویی امام حسین (علیه السلام) ضروری است. آن حضرت، تنها در کربلا اسوه ما نیست؛ الگو بودنش تنها در زمینه حماسه و خون و شهادت هم نیست؛ حتی در کربلا هم، فقط کربلای حماسه و جهاد نبود و اوج صحنه های آن روز جاویدان هم، تنها شهادت امام و یارانش نبود.

نماز

1. نماز، اوج بندگی سالارما، حسین بن علی (علیهما السلام)، شب عاشورا برای انس با خدا و تهجد و تلاوت قرآن و نماز، از دشمن مهلت گرفت. در گرماگرم نبرد عاشورا نیز، هنگام ظهر به نماز ایستاد تا به ما پیامزد که جان بر سر دین و خداجویی نهاده است. سعید بن عبدالله حنفی، در آن لحظه، در برابر امام همچون سپر حفاظتی می ایستد، تا حسین بن علی (علیهما السلام)، آخرین نمازش را بخواند و با 13 تیر که بر پیکرش می نشیند، به شهادت می رسد. (1)

ابو ثمامه صائدی نیز - که خودش شهید نماز است - در روز عاشورا، فرا رسیدن هنگام نماز را یادآور می شود. امام حسین (علیه السلام) دعایش می کند که خدا از نمازگزارانِ ذاکر قرارش دهد. (2)

این که در زیارت های حسین بن علی (علیه السلام)، او را اقامه کننده نماز خطاب می کنیم «اشهد انک قد اقمّت الصلوة...» (3) جلوه دیگری از اهمیت نماز را در زندگی و شهادت آن پیشوای معنویت و عبودیت نشان می دهد.

رضای الهی

2. رضا، اوج ایمان کمال بندگی در «رضا» به رضای الهی و فرمان اوست. حسین بن علی (علیه السلام) در حرکت به سوی کربلا، اظهار امیدواری کرد که آنچه را خداوند برایش اراده کرده باشد، «خیر» باشد، چه با فتح، چه با شهادت «ارجو ان یکون خیراً ما اراد الله بنا، فقلنا ام ظفرنا» (4). در قتلگاه نیز جملات زیبای «الهی رضی برضاک و تسلیماً لامرک» که بر زبان او جاری شد، نشانه خلوص در بندگی و رضا به قضای خدا و رنگ خدایی داشتن جهاد و شهادت اوست.

یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد

ایمان او به شمار می رفت. خود آن حضرت بارها می فرمود:

«رضا لله رضانا اهل البيت؛ (5) رضایت ما خاندان، تابع رضای الهی است.»

صبر و مقاومت

3. صبر و مقاومت سیدالشهداء الگوی صبر و شکیبایی در برابر مصیبت ها، مشکلات زندگی، زخم شمشیر، داغ عزیزان و شهادت فرزندان است.

امام حسین (علیه السلام) در آغاز حرکت خویش به سوی کربلا، بر صبر تکیه کرد و یارانی را لایق همراهی خویش می دانست که بر تیزی شمشیر و ضربت نیزه ها مقاوم باشند. «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السِّيفِ وَ طَعْنِ الْاَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا» (6)

در روز عاشورا نیز در خطبه ای که با این جملات آغاز می شود «صبراً بنی الکرام...» (7) یاران خویش را بر رنج جهاد و زخم شمشیر به صبوری فرا خواند، تا از تنگنای دنیا به وسعت آخرت و از دشواری های دنیا به نعمت و راحت بهشت برسند و مرگ را همچون «پل عبور» بدانند.

هنگام خروج از مکه نیز در ضمن خطابه ای فرمود: «نصبر علی بلائه و یوقینا أجور الصابرين» (8) و صبر بر بلا را مقدمه رسیدن به «اجر صابران» دانست که خداوند عطا خواهد کرد.

روز عاشورا، فرزندش علی اکبر را هم با جمله «یا بُنَّی اصبر قليلاً» دعوت به صبوری کرد و خواهر خویش را در آن روز سرخ، به «صبر» توصیه کرد.

صبر و مقاومتی که ملت ما از حسین بن علی (علیهما السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) آموختند، آنان را در سال های دفاع مقدس و جبهه های نبرد و صحنه های انقلاب، رویین تن ساخت و به آزادگان عزیز در سال های سخت اسارت، قدرت تحمل بخشید.

کرامت و بزرگواری

4. کرامت و بزرگواری آقایی و بزرگواری امام حسین (علیه السلام) زبانزد بود. سال هایی که در مدینه می زیست و در دوران پدر بزرگوارش، آنچه از دست کریمش می جوشید، سخاوت و جود نسبت به سائلان و نیازمندان بود. به روایت حضرت سجاد (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) بار غذا و آذوقه به دوش می کشید و به خانه یتیمان و فقیران و بیوه زنان نیازمند می برد. از این رو، بر شانه های آن حضرت جای آن مانده بود. (9) پس، رسیدگی به محرومان و سرکشی به مستضعفان را هم باید از حسین (علیه السلام) آموخت. وی روزی بر عده ای بینوا گذشت که سفره ای گسترده و روی زمین نشسته، نان خشک می خوردند. پسر پیامبر را به آن طعام دعوت کردند. حضرت از اسب فرود آمد و نزد آنان نشست و از غذایشان خورد، سپس آنان را به خانه خود دعوت کرد و از آنان پذیرایی نمود.

شیوه کریمانه وی، شهرت آفاق بود. وقتی سائلی به درخانه امام آمد و در زد، اشعاری با این مضمون می خواند که:

هرکس امروز به تو امیدوار باشد، ناکام و نومید نمی گردد و هرکس حلقه در خانه تو را بکوبد، دست خالی بر نمی گردد. تو، سرچشمه جود و سخاوتی و پدرت، کشنده فاسقان تبهکار بود. «لَمْ يَخْبِ الْآنَ مَنْ رَجَاكَ...» (10) مگر نه این است که نوع دوستی، گرایش به مساکین، تواضع و مردمی زیستن و عاطفه انسانی داشتن را هم باید از الگویی چون حسین بن علی (علیه السلام) آموخت؟ رفع نیاز دوستان و همفکران و همسنگران، در رفتار آن حضرت جلوه گر است و در این میدان هم باید از او پیروی و به او تأسی کرد.

کار فرهنگی و آموزشی

5. کار فرهنگی و آموزشی در نقل های تاریخی آمده است که وقتی معلّم یکی از فرزندان به او سوره حمد را آموخت، هزار دینار جایزه به معلّم داد و به او خلعت و لباس بخشید و دهانش را پر از گوهر ساخت. وقتی بعضی سبب این همه بخشش را پرسیدند، فرمود: این ها کجا برابر چیزی است که او به فرزندم داده است؟ (یعنی آموزش قرآن و سوره حمد)

آن حضرت در ارزش گذاری به تعلیم و تربیت و تشویق معلّم و مربّی فرزندان خویش و ارج نهادن به جایگاه تعلیم و تربیت نیز، الگوی ماست و باید از او بیاموزیم که به بُعد فرهنگی و تربیتی کودکان مان بها بدهیم و در این زمینه، وقت و پول هزینه کنیم.

روحیه عرفانی

6. روحیه عرفانی یک بُعدی بودن، نقصانی برای انسان است. پیشوایان دینی ما در همه ابعاد، صاحب کمال بوده اند و در شیعیان خود نیز این را می پسندیدند.

خوف از خدا، چشمان اشکبار، حالتِ نجوا و نیایش، زبانِ ستایشگر خدا، زندگی سراسر شکر نسبت به نعم الهی، نمازهای با حال و رکعات بسیار در شبانه روز، بارها سفر پیاده به حجّ خانه خدا رفتن، حضور مکرّر بر سر مزار مادر بزرگش حضرت خدیجه (علیها السلام) و گریستن و دعا کردن برای او، نیایش ژرف و عاشقانه اش در پای «جبل الرحمه» و دعای وی در روز عرفه - که از زیباترین و غنی ترین متون نیایشی عارفانه است - همه و همه، خبر از روح بلند عرفانی آن حضرت دارد.

پس، از این بُعد حیات وی و توجّه به خدا و نیایش های شبانه و دعاهای متضرّعانه سیدالشهداء نیز باید الگو گرفت و بخشی از فرصت های روز و شب را به خلوت با خدا پرداخت. اگر در زندگی یک دوستدار و پیرو، این جنبه مشهود نباشد، در تأسی به آن اسوه معنویت و نیایش، کوتاهی کرده است.

عشق به خدا

7. عشق به خدا از برجسته ترین جنبه های شخصیت سیدالشهداء، محبت پروردگار و دلدادگی او به خداوند و امر

و رضای اوست.

این که نسبت به حادثه عاشورا و آمادگی برای شهادت طلبی و پذیرش تبعات و پیامدهای آن و راضی شدن به یتیمی فرزندان و اسارت اهل بیت، از زبان حضرتش چنین نقل شده است:

«تَرَكْتُ الْخَلْقَ طَرًّا فِي هَوَاكَ وَ أَتَيْتُمُ الْعِيَالَ لِكَيِّ أَرَاكَ»

نشانه خدا دوستی و عشق به معبود و فنا در «حُبِّ الهی» است.

این که نقل شده است: هرچه امام حسین (علیه السلام) به لحظه شهادت نزدیک تر می شد، چهره اش برافروخته تر و شکفته تر می گشت؛ تعبیر دیگری از عشق الهی اوست که تبدیل هجران به وصال را می دید و به وجد می آمد.

عَمَّان سامانی در مثنوی بلند «گنجینه الاسرار» خویش، به رفتار و حالات حسین بن علی (علیهما السلام) از دید عرفانی و عشق نگریسته و امام را سرمست از شراب شوق و عشق الهی می بیند که پیایی جام محبت و بلای بیشتری می خواهد، و او را موجی برخاسته از دریا می داند که محو حقیقت خداست و می خواهد باز به همان دریا بپیوندد و در این راه، از هرچه جز «او»ست، دست می شوید و «خود» را قربانی می کند. وی در این ترسیم عاشقانه، سراسر عاشورا و صحنه های رزم فرزندان و یاران را جلوه ای از آن «جذبه الهی» و عشق برتر می شناسد و شهادت هرکدام از یاران را همچون «هدیه» به درگاه دوست توصیف می کند، تا رضای محبوب تأمین شود و به بزم قرب، بار یابد.

چنین روحیه ای و عشقی، بی شک در حسین دوستان صادق نیز یافت می شود، چرا که الگوشان چنین حسینی است که در دل، جز محبت الهی راه نداده است.

ذکر خدا

8. ذکر خدا گوهر یاد خداوند، موهبتی عرشی است که در هر دل که جای گیرد و بر هرزبان که جاری شود، آن دل و زبان را نفیس می سازد، چه ذکر قلبی باشد، چه ذکر زبانی.

حسین بن علی (علیهما السلام) بنده ذاکر خدا بود، پیوسته حمد و ثنای الهی برزبانش و سپاس نعمت ها در قلبش. و در راحت و رنج و سراء و ضراء، یاد خدا آرام بخش جانش بود و بر او تکیه داشت و هیچ صحنه تلخ و غمباری نبود، جز آن که داروی «یاد خدا» آرامش می کرد.

تنها در صبح عاشورا نبود که با گفتن «اللهم انت ثقتی فی کلِّ کربٍّ»، به یاد خدا بودن را ابراز می کرد و تنها در حملات حماسی روز عاشورایش نبود که با تکرار جمله «لا حول ولا قوَّة الا بالله» (11)؛ ارتباط قلبی خود را با معبود، بر زبان می آورد، بلکه همواره گویای «الله اکبر» بود و ذکر «الحمد لله علی کلِّ حالٍ» و یاد خدا ورد زبانش بود و «استرجاع» را - که یکی از شاخص های ذکر حقیقی، بخصوص در هنگام مصائب و ناگواری هاست - در مواقع مختلف از جمله در راه مکه به کربلا، بر لب داشت.

از دید امام حسین (علیه السلام) شقاوت سپاه کوفه که برای آن جنایت عظیم حضور پیدا کرده بودند، نتیجه غفلت از یاد خدا بود و چون می دید آنان به هیچ روی، از کینه و عناد خویش دست بر نمی دارند و بر کشتن او

مصمم اند، به آنان می فرمود:

«لَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاكُم ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» (12)؛ شیطان بر شما چیره گشته و یاد خدای بزرگ را از شما (دل) برده است.

وقتی چراغ یاد خدا در شبستان دل انسان روشن باشد، هرگز شیطان رخنه گاهی برای ورود به خلوتگاه دل نمی یابد و این خانه که باید جای خدا باشد، مأوای دیو و دد نمی گردد. پیروان حسین (علیه السلام) را سزاست که مشعل فروزان «ذکرالله» را در اقتدا به سالارشان در دل برافروزند، تا نه دچار یأس و تردید شوند، نه ملعبه ابلیس و هوای نفس. اینها و بسیاری دیگر از این گونه ویژگی های روحی و رفتاری است که از حسین بن علی (علیهما السلام) برای پیروانش در همه اعصار و نسل ها «الگوی همه جانبه» ساخته است و منشوری پدید آورده که از هر طرف به آن بنگریم، جلوه ای خاص و بُعدی مقدس و الگویی شایسته تبعیت به چشم می خورد.

خلاصه سخن

خلاصه سخن هم از معنویت و توجه به خدا و نیایش های شبانه امام حسین (علیه السلام) باید درس آموخت، هم از توجه به علم و ادب و دانش و تربیت فرزندان، هم حُسن خُلق و کرامت رفتاری و مستضعف گرایی، هم از ایثار و سخاوت و بذل و بخشش وی، و هم از رأفت و مهربانی و عواطف والای انسانی نسبت به هموعان. حسین بن علی (علیهما السلام) مقتدای همه و همیشه و همه جاست؛ چه در جنگ و چه در صلح، چه در میدان جهاد و چه در عرصه اعتقاد، چه در صداقت و پاکی، چه در شجاعت و بی باکی، چه در روحیه شهادت طلبی، چه در عبادت ها و راز و نیازهای نیمه شبی. جویندگان راه معنی و طالبان عزت و آزادگی، باید در «آینه اوصاف حسینی» به تماشای این جلوه های ناب و ماندگار بنشینند و اگر اهل سیر و سلوک اند و شیفته «عرفان اهل بیتی»، و اگر به افقی دور دست تر از مادیات و بلندتر از روزمرگی ها می نگرند، باز هم باید به «مرآت حسینی» چشم بدوزند و به این «آینه حُسن» بنگرند. برای الگوگیری از «اسوه های حسنه»، باید به جهات اسوه بودن آنان توجه داشت؛ حسین بن علی (علیهما السلام) یکی از این اسوه هاست؛ خود نیز فرموده است: «لکم فیّ اسوة». مرور به چند نمونه از جهات الگویی سیدالشهداء، برای آن بود که درس آموزی از این سرمشق خدایی آسان تر باشد و عملی تر. آینه سلوک حسینی، پیوسته در منظرمان باد.

پی نوشت ها :

1 - مقتل الحسین، مقررّم، ص 304.

2 - سفینه البحار، ج 1، ص 136.

- 3 - زيارت وارث (مفاتيح الجنان).
- 4 - اعيان الشيعة، ج 1، ص. 597
- 5 - موسوعة كلمات الامام الحسين(ع)، ص. 328
- 6 - ينابيع المودة، ص. 406
- 7 - نفس المهموم، ص. 135
- 8 - بحارالانوار، ج 44، ص. 367
- 9 - حياة الامام الحسين(ع)، ج 1، ص. 128
- 10 - همان، ص. 131
- 11 - موسوعة كلمات الامام الحسين(ع)، ص. 414
- 12 - همان، ص. 485.